

ادوار و منوسا
از کورب
فیری نیست

ترجمه مجتبی ویسی



فهرست

۷.....	مقدمه
۱۱.....	روز نهم
۱۵.....	روز دهم
۲۵.....	روز یازدهم
۳۵.....	روز دوازدهم
۴۹.....	روز سیزدهم
۵۷.....	روز چهاردهم
۶۳.....	روز پانزدهم
۶۹.....	روز شانزدهم
۷۵.....	روز هفدهم
۸۱.....	روز هجدهم
۹۳.....	روز نوزدهم
۱۰۵.....	روز بیستم
۱۲۱.....	روز بیست و یکم
۱۳۵.....	روز بیست و دوم
۱۵۵.....	روز بیست و سوم
۱۶۷.....	روز بیست و چهارم

مقدمه

ادواردو مندوسا گاریگا^۱ در سال ۱۹۴۳ در بارسلون اسپانیا به دنیا آمد، نیمه اول دهه شصت (۱۹۶۰) را به تحصیل در رشته حقوق پرداخت و از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲ را نیز در شهر نیویورک، به حرفه مترجمی در سازمان ملل متحد گذراند.

او اولین رمانش را، که دست بر قضا بسیار هم موفق از کار درآمد، در سال ۱۹۷۵ با عنوان *حقیقت ماجرای ساولتا* منتشر کرد و توانایی خود را در بهره گرفتن از منابع و سبک‌های مختلف نمایان ساخت. مندوسا در این اثر واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر بارسلون و همراه با آن، درگیری‌ها و مناقشات اسپانیا را در ابتدای قرن بیستم روایت می‌کند. صاحب‌نظران این رمان را سرآغازی بر تغییرات اجتماعی در اسپانیای بعد از ژنرال فرانکو و نیز اولین رمان دوره گذار به دموکراسی می‌دانند.

اما به عقیده بسیاری، شاخص‌ترین رمان این نویسنده، *شهر شگفتی‌ها* (۱۹۸۶) است که در آن تحولات اجتماعی و مدنی شهر بارسلون،

1. Eduardo Mendoza Garriga

حداقل سال‌های ۱۸۸۸ تا ۱۹۲۹ را دستمایه کار خود قرار داده است. با اقتباس از آن در سال ۱۹۹۹ فیلمی هم به کارگردانی ماریو کامو ساخته شد.

او در ادامه *رمان از گورب خبری نیست* را در سال ۱۹۹۰ نوشت و پس از آن در سال ۱۹۹۲ *رمان سال سیل* را، که روایت درگیری ذهنی یک راهبه پس از ملاقات با «آگوستو آیخلا» است و دل باختن به او. البته ضمن روایت، محرومیت‌های رایج در اسپانیای بعد از جنگ با کلامی تاثیرگذار توصیف می‌شود.

از رمان‌های دیگر مندوسا می‌توان به *کم‌دی ملایم* (۱۹۹۶) و *آخرین سفر هوراشیو دوس* (۲۰۰۱) اشاره کرد که این دومی را روزنامه معروف اسپانیایی، ال پاپس، به صورت پاورقی منتشر کرد.

او همچنین یک مجموعه رمان پلیسی با روایتی پارودیک و محوریت شخصیتی عجیب، کارآگاهی خل وضع، دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به *راز دخمه جادویی* و *هزارتوی زیتون‌زار* اشاره کرد.

این رمان‌نویس در سال ۲۰۱۰ به خاطر رمان *دعوی گربه‌ها، مادرید ۱۹۳۶* جایزه «پلانته‌تا» را از آن خود کرد و در سال ۲۰۱۳ نیز برای همین رمان موفق به دریافت «جایزه کتاب اروپا» شد.

از گورب خبری نیست رمانی است علمی - تخیلی، اما نویسنده از رهگذر این ژانر و با رویکردی طنز به مسائلی عینی و واقعی، از جمله رفتارها و مناسبات اجتماعی، زیست و ذهنیت بشری و نیز مباحث تاریخی می‌پردازد. به تعبیری، مندوسا به مدد داستانی فانتزی مسائلی هستی‌شناسانه مطرح می‌کند و با خلق یک جهان احتمالی، امکان مقایسه آن با جهان واقعی ما را فراهم می‌آورد. تمهید خلق موجوداتی فضایی که

از سیاره‌ای دیگر آمده‌اند، به نویسنده (و همچنین خواننده) امکان می‌دهد تا زمین و رخداد‌های آن را از دریچه‌ای دیگر ببیند.

نکته جالب آن است که برخی گزارش‌ها و تحلیل‌های راوی داستان، یکی از آن دو موجود فضایی، قابل اعتماد نیست که همین امر به شکل‌گیری روایتی پارودیک و متناقض‌نما دامن زده است.

این کتاب را دوست ارجمند جناب روزبه دادبین معرفی کرد و متن اصلی را در اختیارم گذاشت. از ایشان بی‌نهایت سپاسگزارم.

مترجم